

## مقاله پژوهشی: الگوی تحول علوم انسانی

علیرضا پیروزمند، احمدرضا حجازی<sup>۱</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۳۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۶/۱۴

### چکیده

تدابیر هوشمندانه در موضوعات پیچیده، متغیر و انسانی نیازمند نرم افزار یا الگوی شناسایی، ارزیابی و تصمیم‌گیری است. هرچند در بهترین حالت همه عوامل نه شناسایی و نه مورد مدیریت قرار می‌گیرند. این امر در موضوع تحول علوم انسانی نیز مصداق دارد. هدف مقاله حاضر یافتن ساز و کاری برای اسلامیت علوم و ارائه نقشه راه محتوایی و مدیریتی برای آن است. روش تحقیق از نظر هدف کاربردی و از نظر نوع، کیفی و در تجزیه تحلیل اطلاعات برای الگوسازی از روش تحقیق تکاملی (ابداعی فرهنگستان علوم اسلامی) و برای پردازش و اعتبار‌یابی الگو از روش طوفان فکری استفاده شده است. در الگوی پیشنهادی، تحول علوم انسانی از سه جنبه به شکل متوازن و هماهنگ پیگیری می‌شود: محتوا، برنامه و سازمان علوم انسانی، از این رو الگوی پایه تحول از سه زیر الگوی تحول محتوا، تحول برنامه و تحول سازمان علوم انسانی تشکیل می‌گردد. الگوی ارائه شده قابلیت ارائه نقشه راه و اولویت‌بندی را در شرایط متغیر؛ انقباض و انبساط مولفه‌های مورد مدیریت در تحول متناسب با مقدمات و نیز ارائه برنامه کوتاه، میان و بلند مدت را در هر بخش دارد. همچنین به دلیل تفکیک و ارتباط عوامل محتوایی و مدیریتی قابلیت تحول همزمان را در هر دو موضوع فراهم می‌آورد. با ویژگی‌های یاد شده پیش‌بینی می‌شود الگوی پیشنهادی به وسیله سازمان‌های متولی به ویژه شورای تحول علوم انسانی قابل بکارگیری باشد.

**کلیدواژه‌ها:** تحول علوم انسانی، الگو، بومی‌سازی، اسلامی‌سازی

<sup>۱</sup> - استادیار دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی (نوسینده مسئول) [Andishe.ar@gmail.com](mailto:Andishe.ar@gmail.com)

<sup>۲</sup> - دانشجوی دکتری مدیریت راهبردی دانش، دانشگاه و پژوهشگاه عالی دفاع ملی

**مقدمه**

مقام معظم رهبری (مدظله‌العالی) در بیانات خود در دیدار با جمعی از استاتید فرمودند: علوم انسانی بر مبادی و مبانی متعارض با قرآن و اسلام بنا شده است. علوم انسانی غربی مبتنی بر جهان بینی دیگری است، مبتنی بر فهم دیگری از عالم آفرینش است و غالباً مبتنی بر نگاه مادی است. خوب این نگاه غلطی است، این مبنا، مبنای غلطی است. این علوم انسانی ما به صورت ترجمه ای بدون اینکه هیچگونه فکر تحقیقی اسلامی را اجازه بدهیم راه پیدا کند می آوریم و توسط دانشگاه های خودمان و در بخشهای مختلف اینها را تعلیم می دهیم درحالی که ریشه و پایه و اساس علوم انسانی را در قرآن باید پیدا کرد (بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با جمعی از بانوان کشور ۱۳۸۸/۷/۲۸). برای اسلامیت یک نظام باید ابتدا دانش هایی که در خدمت بر نامه ریزی اجتماعی قرار می گیرند دانش های اسلامی باشند (میر باقری، ۱۳۹۰). همچنین معظم له در دیدار با جمعی از استادان و نخبگان و پژوهشگران دانشگاه ها در سال ۱۳۹۷ مجدداً فرمودند: یکی از مصداق های روشن این است که ما رویکرد مصرف کنندگی علم را به رویکرد تولید علم تبدیل کنیم (بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با جمعی نخبگان ۱۳۹۷/۳/۲۰). به اعتقاد ایشان (مقام معظم رهبری) برای برپا کردن تمدن اسلامی، از دانش جهان و ابزارهای موجود جهانی استفاده می کنیم، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت (بیشه، ۱۴۰۰). تمدن اسلامی سعی داشته است که با بهره گیری از ابزارها، مواهب و دستاوردهای مفید تمدن مادی غرب، به ایجاد تمدنی نوین پردازد که بتواند تمامی جنبه های تمدنی را دربرداشته باشند (سهل آبادی، ۱۳۹۸). برای اسلامیت علوم می بایست منظومه ای به هم پیوسته از معارف مختلف بر محور معارف نقلی تشکیل داد (میر باقری، ۱۳۹۴). برای تبدیل تقلید و مصرف کنندگی علم به تولید علم می بایست مبانی و بنیادها، روشها، مفاهیم، ساختارها، نظریه ها و مکاتب و متون علمی در مسیر تکامل روشمند اسلامی، بومی سازی شود. در تحول علوم انسانی، رویکرد ترمیمی، تهذیبی و پیرایشی، نقاد سازی و بومی سازی فرهنگی و کاربردی محض منظور نبوده است، بلکه مقصود از تحول در علوم انسانی، فرایندی است که در آن نظریه های علوم انسانی روشمندانه و مبتنی بر مبانی و منابع

اسلامی (عقل، تجربه و نقل دینی) در راستای مقاصد شریعت و نیازهای جامعه اسلامی تولید شوند. (گزارش عملکرد تحول علوم انسانی، حوزه معاونت آموزشی وزارت عتف، ۱۳۹۹).

در الگوی پیشنهادی از روش ابداعی فرهنگستان علوم اسلامی در الگوسازی استفاده شده که توضیح و اثبات آن در این ارائه نمی‌گنجد، اما برای ایجاد زمینه تفاهم با الگوهای پیشنهادی دیگر مراحل لازم است که می‌توان به شرح زیر نام برد: ۱. ابتدا برای هر موضوع ابعاد «زمانی، مکانی و نسبت بین زمان و مکان» بیان می‌شود؛ ۲. هر یک از ابعاد سه‌گانه با مؤلفه‌های وصفی تشریح می‌شوند؛ ۳. با استفاده از جدول ماتریس ابعاد و مؤلفه‌ها به یکدیگر مرتبط می‌شوند و تقوم آن‌ها «مفاهیم مرکبی» را تحویل می‌دهد؛ ۴. پس از شناسایی و تقدم ابعاد و مؤلفه‌ها، «نظام موضوعات، پرسش‌ها و شاخص‌ها» تعیین می‌شود. الگوی پیشنهادی در دو سطح انجام می‌گیرد که سطح اول «ارائه الگوی پایه تحول و شامل ارکان، لایه‌ها و مراحل است و سطح دوم ارائه سه زیرالگوی تحول که با ابعاد جوهره، ساختار و اثر با مؤلفه‌های خاص خود در الگوی تحول محتوای علوم انسانی، الگوی تحول برنامه علوم انسانی و الگوی تحول سازمان علوم انسانی و ارتباط مؤلفه‌های هر یک مورد بررسی قرار می‌گیرد و با ارائه نقشه راه در انقباضی‌ترین وضعیت با تحول در سه مولفه و ارائه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و همچنین، ارائه نقشه راه در حالت‌های مختلف با حداکثر نوزده هزار مؤلفه و انبساطی‌ترین نقشه برنامه‌ای کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت برای تحول علوم انسانی ارائه می‌کند.

### مبانی نظری و پیشینه شناسی تحقیق

#### پیشینه تحقیق

خسرو پناه، ۱۳۹۴ در مقاله ای تحت عنوان «علوم انسانی: چیستی، ساحت‌ها و فرایندهای تحول در آن» با بررسی چیستی علم و علوم انسانی و با این فرض که تحول در علوم انسانی به معنای تبدیل پایدار و دارای مرجعیت علمی در مبانی و بنیادها، روش‌ها، مفاهیم، ساختارها، نظریه‌ها و مکاتب و متون علمی در جهت مطلوب است. ساحت‌های این تحول را با توجه به دفعی نبودن تحول، تدریجی بودن تحول را در دوره‌های کوتاه مدت

، میان مدت و بلند مدت به همراه فرایندهای راهبردی، اجرایی و معرفتی ارائه می‌نمایند. بر اساس نتایج بدست آمده مشخص شد که فرایندهای راهبردی شامل فرهنگ سازی، نقد، تولید، و ترویج است که با بخشنامه و آیین نامه تحقق نمی‌یابد و می‌بایست با گفتمان نخبگانی این راهبرد اجرایی شود در فرایند اجرایی با تشکیل شورایی متشکل از متخصصان برای ۱- تدوین اهداف، چشم انداز و نقشه راه تحول علوم انسانی ۲- سیاستگذاری ۳- تشکیل کمیته‌های تخصصی می‌بایست انجام شود و در فرایند تحول معرفتی بخش‌های زیر اجرایی شود ۱- نقد میراث غربی ۲- کشف میراث اسلامی ۳- تولید فلسفه و نظریه‌های علوم انسانی اسلامی.

آذربایجانی، کاظمینی، ۱۳۹۴، در مقاله‌ای تحت عنوان "درآمدی بر نظریه مدیریت تحول در علوم انسانی" با رویکردی قیاسی- استقرایی، چارچوب کلان و عناصر کلیدی و موثر در تحول علوم انسانی را احصاء و چگونگی تاثیر آنها بر یکدیگر را در راستای تحول علوم انسانی بررسی می‌نماید. نتایج بدست آمده نشان داد عوامل موثر در تحول علم به سه بخش: عوامل معرفتی یا محتوایی، عوامل روان‌شناختی و عوامل جامعه‌شناختی تقسیم می‌شوند. عوامل جامعه‌شناختی به صورت مستقیم قابل مدیریت هستند و از طریق تاثیر گذاری بر عوامل روان‌شناختی تحول دانشمندان را بر تغییر محتوای علوم انسانی بر می‌انگیزانند. عوامل روان‌شناختی شامل سه دسته عوامل شناختی، عاطفی و انگیزشی و رفتاری تقسیم نموده‌اند. در میان عوامل محتوایی عوامل پیشینی را کلیدی‌ترین عامل تحول و تغییر معرفی نموده‌اند. در پایان عوامل جامعه‌شناختی یعنی نهاد‌های سیاست، اقتصاد، تعلیم و تربیت، و رسانه در سپهر ارزش‌های دینی و اصول عقلانی را مهم‌ترین عوامل تاثیر گذار در مدیریت تحول علوم انسانی معرفی می‌نمایند.

در بحث دین‌شناسی محقق با بررسی قلمرو سرپرستی دین در نظریات پیرامون دین که شامل: ۱- عدم انتظار از دین، ۲- دین بیانگر احکام سمبلیک در امور فردی و اجتماعی، ۳- دین بیانگر احکام حقیقی در امور فردی و معنوی، ۴- دین بیانگر احکام حقیقی در امور فردی و احکام اجتماعی از طریق تنفیذ ولی فقیه، ۵- دین بیانگر احکام حقیقی در امور فردی و اجتماعی می‌باشد. ضمن تعریف دین‌شناسی بر مبنای دین حداکثری و قلمرو

سرپرستی اسلام، دین را بیانگر معارف توصیفی، ارزشی و تکلیفی در سه ساحت فردی، اجتماعی و تاریخی، توصیف می نماید (پیروزمند، ۱۳۹۳). در این دنیای معاصر منظور از علم یک دسیپرینی از نظام نظریه ها برای حل مسائل تشکیل شده است. چنین علمی را محصول اجتماعی می دانیم به این معنی که مجموعه نیازمندی های مردم به علاوه دانشمندان و اهتمام و اراده مدیران و سیاستگذاران فرایند جهت گیری علم را شکل داده و سمت و سوی علم را مشخص می کند. بنابراین فرهنگ جامعه بر جهت گیری علم حکومت دارد و بر همین اساس تحول علوم انسانی در مسیر تمدن سازی اسلامی به دنبال حکومت فرهنگ ناب و مطلوب اسلامی بر مبانی و اهداف نظام علم در علوم انسانی است (همان منبع بالا). مقالاتی که در بحث تحول علوم انسانی تدوین شده است محور اصلی برای تحول در علوم انسانی را توجه به محتوا، روش ها و اقتضائات زمانی و مکانی معرفی نموده اند. این موضوع در مقاله آقای عبدی با عنوان طراحی و تبیین الگوی تدوین خط مشی ملی تحول در علوم انسانی نیز کاملاً مشهود است (عبدی، ۱۳۹۱). البته عده ای از صاحب نظران همچون حجت الاسلام والمسلمین دکتر خسرو پناه در باب ضرورت تحول علوم انسانی با بررسی چیستی، علم و علوم انسانی و با فرض تبدیل پایدارودارای مرجعیت علمی در مبانی و بنیادها، روش ها، مفاهیم، ساختارها و مکاتب و متون علمی ساحت های الگوی تحول پیشنهادی را معرفی و مراحل فرایندهای راهبردی، مدیریت و معرفتی تحول در علوم انسانی را تشریح می نماید. (خسرو پناه، ۱۳۹۶).

## افتراق و اشتراک

### افتراق و وجوه امتیاز و نوآوری الگوی پیشنهادی

- ۱- پرداختن به برنامه و سازمان تحول علم علاوه بر تحول در محتوای علمی علوم انسانی
- ۲- تعیین قاعده مند متغیرها و مهم تراز آن برقراری نسبت بین متغیرهای تحول
- ۳- تعیین ملاک برای تفکیک اهمیتاز فوریت اقدامات لازم برای تحول علوم انسانی
- ۴- امکان استخراج و تفکیک سیاست های کوتاه، میان و بلند مدت برای تحول علوم انسانی
- ۵- امکان کم و زیاد کردن حجم متغیرهای قابل مدیریت در تحول علوم انسانی به شکل قاعده مند، متناسب با مقدرات نظام مدیریت علم و ظرفیت جامعه علمی
- ۶- استفاده از روش تحقیق تکاملی در الگو سازی

## وجه اشتراک با سایر تحقیقات انجام شده در تحول علوم انسانی

- ۱- پذیرش انحراف بنیادی در علوم انسانی وارداتی و ابتناء آن بر جهان بینی مادی
- ۲- امکان پذیر دانستن تحول علوم انسانی در جامعه ایران
- ۳- اهتمام بر تغییر مبانی نظریه پردازی در علوم انسانی
- ۴- توجه به ارتباط تحول علوم انسانی با تکامل معرفت دینی توسط حوزه های علمیه
- ۵- توجه به عوامل زمینه ای و اجتماعی تحول علوم انسانی در پاره ای از تحقیقات

## الگوی پیشنهادی تحول علوم انسانی

الگوی پیشنهادی تحول علوم انسانی در دو سطح انجام می‌گیرد که شامل ارائه الگوی پایه تحول و ارائه سه زیرالگوی تحول است که عبارت‌اند از: ۱. الگوی تحول محتوای علوم انسانی؛ ۲. الگوی تحول برنامه علوم انسانی؛ ۳. الگوی تحول سازمان علوم انسانی. الگوی پایه تحول پیشنهادی متشکل از سه بُعد «ارکان، لایه‌ها و مراحل تحول» به قرار زیر است:

- ارکان تحول (هویتی-اصلی): محتوا، برنامه و سازمان؛
  - لایه‌های تحول (ساختاری-فرعی): درونی، میانی و بیرونی؛
  - مراحل تحول (فرایندی-تبعی): مطلوب، انتقال، موجود.
- مؤلفه‌های شش‌گانه فرعی و تبعی در مؤلفه‌های سه‌گانه اصلی جاری است؛ از این رو، همواره با سه مؤلفه اصلی (محتوا و برنامه و سازمان) روبه‌رو هستیم که محور تحول هستند و دیگر مؤلفه‌ها، نقش توصیف‌زویایی از آن‌ها را بر عهده دارند.

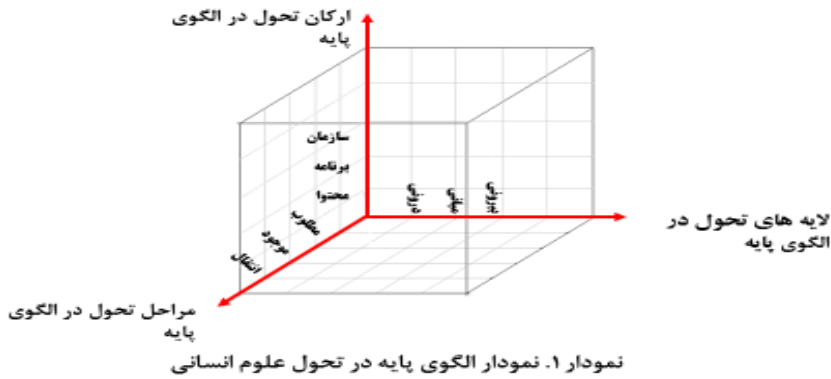
جدول ۱. الگوی پایه در تحول علوم انسانی (ابعاد ومولفه ها)

مراحل (فرایندی-تبعی)	لایه‌ها (ساختاری-فرعی)	ارکان (هویتی-اصلی)
مطلوب	درونی	محتوا
انتقال	میانی	برنامه
موجود	بیرونی	سازمان

تعاریف اجمالی ارکان تحول در الگوی پایه

تعریف ارکان تحول در الگوی پایه

- موضوعات: نظریه‌ها، معادلات و احکام علمی نظام‌مند در دسته‌های سه‌گانه دانش‌های انسانی (اجتماعی) و حوزوی.
  - برنامه: فعالیت‌های متوازی و متوالی که در فرایند مهندسی و مدیریت دانش، مورد نیاز سطوح مختلف مدیران است.
  - سازمان: ساختار سازمان دانش است که شامل مناصب اجرایی (صف و ستاد) و فلوچارت‌ها، چگونگی ارتباطات درون و برون سازمانی و گردش عملیات مربوط است.
- تعریف لایه‌های تحول در الگوی پایه
- درونی: منظور از آن کل علوم انسانی اجتماعی و هنر است که موضوع اصلی ما در این طرح نیز است.
  - میانی: تمام علوم اسلامی حوزوی که این بخش مهم، در حکم علوم پایه در آرمان‌شهر علمی تمدن اسلامی است.
  - بیرونی: کل علوم پایه (تجربی)، فنی مهندسی، پزشکی و کشاورزی که البته در محدوده‌ای که مرتبط با علوم انسانی است، به آن‌ها اشاره خواهد شد.
- تعریف مراحل تحول در الگوی پایه
- مطلوب: وضعیت حداکثری در اهداف قابل دسترس که فروتر از وضعیت آرمان‌شهری و فراتر از وضعیت موجود است.
  - موجود: وضعیت حداقلی نامطلوب و موجد چالش‌های کنونی است.
  - انتقال: وضعیتی میانه و حاصل مطالعه دو وضعیت مطلوب و موجود است که طی زمان‌بندی مشخص، بناست طی مراحل از راه طولانی تا رسیدن به نقطه هدف و قابل دسترس را معین کند (پیروزمند، ۱۳۸۹، ص ۵۳)



به‌طور کلی می‌توان الگوی پایه در تحول علوم انسانی را در جدول زیر خلاصه کرد.

جدول ۲. الگوی پایه در تحول علوم انسانی									
ارکان لایه‌ها مراحل	محتوا			برنامه			سازمان		
	درونی (علوم انسانی)	میانی (علوم اسلامی)	بیرونی (علوم طبیعی)	درونی (علوم انسانی)	میانی (علوم اسلامی)	بیرونی (علوم طبیعی)	درونی (علوم انسانی)	میانی (علوم اسلامی)	بیرونی (علوم طبیعی)
مطلوب	محتوای علوم انسانی در وضعیت مطلوب	محتوای علوم اسلامی در وضعیت مطلوب	محتوای علوم طبیعی در وضعیت مطلوب	برنامه علوم انسانی در وضعیت مطلوب	برنامه علوم اسلامی در وضعیت مطلوب	برنامه علوم طبیعی در وضعیت مطلوب	سازمان علوم انسانی در وضعیت مطلوب	سازمان علوم اسلامی در وضعیت مطلوب	سازمان علوم طبیعی در وضعیت مطلوب
موجود	محتوای علوم انسانی موجود	محتوای علوم اسلامی موجود	محتوای علوم طبیعی موجود	برنامه علوم انسانی در وضعیت موجود	برنامه علوم اسلامی در وضعیت موجود	برنامه علوم طبیعی موجود	سازمان علوم انسانی موجود	سازمان علوم اسلامی موجود	سازمان علوم طبیعی موجود
انتقال	محتوای علوم انسانی در وضعیت انتقال	محتوای علوم اسلامی در وضعیت انتقال	محتوای علوم طبیعی در وضعیت انتقال	برنامه علوم انسانی در وضعیت انتقال	برنامه علوم اسلامی در وضعیت انتقال	برنامه علوم طبیعی در وضعیت انتقال	سازمان علوم انسانی در وضعیت انتقال	سازمان علوم اسلامی در وضعیت انتقال	سازمان علوم طبیعی در وضعیت انتقال

با توجه به جدول بالا، در ادامه با تمرکز به بخشی از درون علوم انسانی در الگوی پایه، سه الگو تقدیم می‌شود که بر روی هم «الگوی پیشنهادی مدیریت تحول علوم انسانی» را تشکیل می‌دهند:



۱. الگوی تحول محتوای علوم انسانی؛ ۲. الگوی تحول برنامه علوم انسانی؛ ۳. الگوی تحول سازمان علوم انسانی.

جدول ۳. الگوی تحول محتوای علوم انسانی

مؤلفه‌ها		ابعاد	
موضوعات علم	روش علم	مبانی علم	جوهره علمی تحول
علوم کاربردی	علوم راهبردی	علوم بنیادی	ساختار علمی تحول
طبیعت‌سازی	انسان‌سازی	جامعه‌سازی	اثر علمی تحول

### تعریف مؤلفه‌های جوهره تحول محتوای علمی

- مبانی: منظور از مبانی، عناوین مؤلفه‌های مربوط به تمامی مسائل زیرساختی و نظریه‌های فلسفی و معرفتی حاکم بر علوم است.
- روش‌ها: منظور از روش‌ها عناوین مؤلفه‌های مربوط به روش‌شناسی‌های عام و نیز روش‌شناسی‌های خاص مربوط به متدولوژی‌های حاکم بر مجموعه‌های علوم انسانی، اجتماعی، هنر، ادبیات و غیره است.
- موضوع (رشته‌ها): موضوعات اصلی عنوان رشته‌های علمی را تشکیل می‌دهد، طبعاً آنچه باقی می‌ماند تکلیف عناوین گرایش‌ها و بین‌رشته‌ای‌های علوم انسانی است که بالغ بر ده‌ها و بلکه صدها عنوان موضوعی خواهد شد.

### تعریف مؤلفه‌های ساختار تحول محتوای علمی

- بنیادی: آن دسته از مجموعه علوم انسانی است که طبقه زیرین نظام طبقه‌بندی مطلوب علمی را تشکیل می‌دهد. این علوم تکیه‌گاه دو طبقه دیگر علمی (راهبردی و کاربردی) است و در حکم بنیان نظری برای نظریات و احکام علمی آن دو طبقه محسوب می‌شوند. همچنین، مرز دانش تلقی می‌شوند و تکامل منظومه علوم به تکامل آن‌ها شناخته می‌شود. شدت و سرعت تغییرات در این علوم بسیار کند است. از جمله علوم بنیادی می‌توان به فلسفه محض و انواع فلسفه مضاف (مانند فلسفه تاریخ، فلسفه فناوری) و جامعه‌شناسی اشاره کرد.

راهبردی: منظور علمی است که حجیت خود را از علوم بنیادی می‌گیرند و درعین حال، به علوم کاربردی حجیت می‌دهند؛ ازاین‌رو، به لحاظ حجیت‌بخشی، واسط در منظومه علوم هستند. شدت و سرعت تغییرات در این علوم نسبی است. ازجمله علوم راهبردی، بنابر شاخص‌های یادشده، می‌توان به علوم سیاسی و مدیریت و ارتباطات و غیره اشاره کرد.

کاربردی: منظور علمی است که حجیت خود را از علوم بنیادی و واسطه‌گری علوم راهبردی می‌گیرند؛ ازاین‌رو، همواره با انبوهی از اصول موضوعه حاکم بر علوم کاربردی روبه‌رو هستیم که نیازمند اثبات در علوم زیرساختی و میانی قبل از آن است. شدت و سرعت تغییرات در مسائل و گزاره‌های علوم کاربردی، بیش از دو طبقه پیشین است. درهرحال، تغییر در علوم کاربردی، طفیل تحول ساختاری و ارزشی در دو طبقه پیشین است. ازجمله علوم کاربردی، بنابر شاخص‌های یادشده، می‌توان به هنرهای کاربردی و علوم حقوقی و اقتصادی و غیره اشاره کرد.

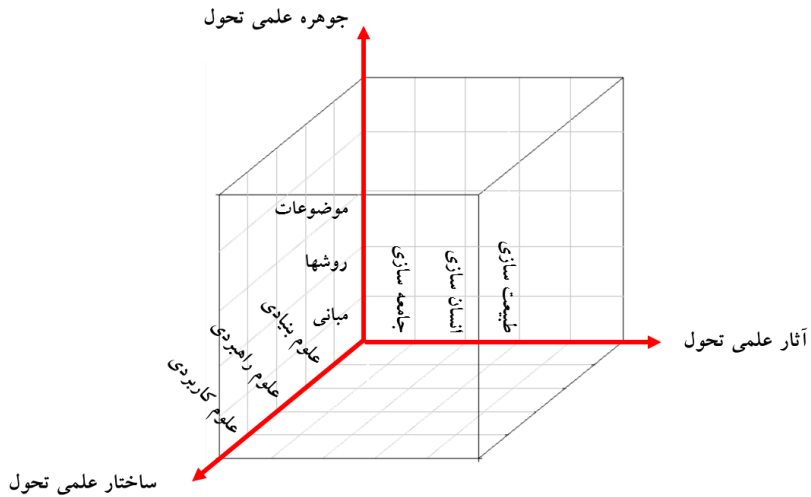
### تعریف مؤلفه‌های اثر تحول محتوای علمی

جامعه‌سازی: آن دسته از اهداف علوم انسانی (بنیادی یا راهبردی یا کاربردی) است که برای مهندسی یا مدیریت تمدنی و اجتماعی و آفرینش یا بازآفرینش زیست‌بوم جدیدی از حیات طیبه یا خبیثه، توسط پژوهشگران، آموزشگران و کنشگران جامعه دنبال می‌شود. از آنجا که نظام‌های اصلی جامعه به سه حوزه تعریف می‌شود؛ ازاین‌رو، این علوم با نگاه جامعه‌شناسانه، سرپرستی حداقل یک حوزه را در عرصه نظام‌سازی سیاسی یا فرهنگی یا اقتصادی با زیرنظام‌های تمامی آن‌ها بر عهده خواهد داشت.

انسان‌سازی: آن دسته از اهداف علوم انسانی (بنیادی یا راهبردی یا کاربردی) است که برای مهندسی یا مدیریت ابعاد وجودی آحاد انسان دنبال می‌شود. درهرحال در این هدف، ارتباط فرد انسان با انسان و با خود و خانواده و جامعه ذیل احکام و حیانی دنبال می‌شود.

طبیعت‌سازی: آن دسته از اهداف علوم انسانی (بنیادی یا راهبردی یا کاربردی) است که به نحوی ناظر به حوزه طبیعت، به معنای عام کلمه، و هر آنچه تحت تصرف انسان و دانش انسانی اجتماعی قرار می‌گیرد، است. این‌ها شامل حوزه حیوانات (ارتباط جامعه و انسان با

حیوان)، حوزه نباتات (ارتباط جامعه و انسان با نبات) و حوزه جمادات (ارتباط جامعه و انسان با جماد) است (پیروزمند، ۱۳۸۹، ۵۶).



نمودار ۲. نمودار الگوی تحول محتوای علوم انسانی

جدول ۴. الگوی تحول محتوای علوم انسانی

موضوعات			روش ها			مبانی			جوهره
کاربردی	راهبردی	بنیادی	کاربردی	راهبردی	بنیادی	کاربردی	راهبردی	بنیادی	ساختار اثر
موضوعات علوم کاربردی با هدف جامعه سازی	موضوعات علوم راهبردی با هدف جامعه سازی	موضوعات علوم بنیادی با هدف جامعه سازی	روش های علوم کاربردی با هدف جامعه سازی	روش های علوم راهبردی با هدف جامعه سازی	روش های علوم بنیادی با هدف جامعه سازی	مبانی علوم کاربردی با هدف جامعه سازی	مبانی علوم راهبردی با هدف جامعه سازی	مبانی علوم بنیادی با هدف جامعه سازی	جامعه سازی
موضوعات علوم کاربردی با هدف انسان سازی	موضوعات علوم راهبردی با هدف انسان سازی	موضوعات علوم بنیادی با هدف انسان سازی	روش های علوم کاربردی با هدف انسان سازی	روش های علوم راهبردی با هدف انسان سازی	روش های علوم بنیادی با هدف انسان سازی	مبانی علوم کاربردی با هدف انسان سازی	مبانی علوم راهبردی با هدف انسان سازی	مبانی علوم بنیادی با هدف انسان سازی	انسان سازی
موضوعات علوم کاربردی با هدف طبیعت سازی	موضوعات علوم راهبردی با هدف طبیعت سازی	موضوعات علوم بنیادی با هدف طبیعت سازی	روش های علوم کاربردی با هدف طبیعت سازی	روش های علوم راهبردی با هدف طبیعت سازی	روش های علوم بنیادی با هدف طبیعت سازی	مبانی علوم کاربردی با هدف طبیعت سازی	مبانی علوم راهبردی با هدف طبیعت سازی	مبانی علوم بنیادی با هدف طبیعت سازی	طبیعت سازی

جدول ۵. الگوی تحول برنامه علوم انسانی

مؤلفه‌ها			ابعاد
عملیاتی‌سازی	برنامه‌ریزی	سیاست‌گذاری	جوهره برنامه تحول
نظام مهارتی	نظام علمی	نظام فرهنگی	ساختار برنامه تحول
پیرایش علم	پالایش علم	پیدایش علم	اثر برنامه تحول

### تعریف مؤلفه‌های جوهره تحول برنامه

سیاست‌گذاری: وضع راهبرد یا خط‌مشی کلان در نقشه راه است که شامل موضوعات کلان یا محورهای قابل سیاست‌گذاری، چشم‌انداز و رسالت و بالأخره راهبردها و سیاست‌های کلان می‌شود.

برنامه‌ریزی: مرحله دوم از فرایند مهندسی و تقنین سازمانی است که مبتنی بر سیاست‌های ترسیم‌شده، به نگارش برنامه‌ها می‌پردازد و شامل سرفصل‌های میانی ذیل موضوعات محوری (در مرحله سیاست‌گذاری)، اهداف میانی و مرحله‌ای و بالأخره راهکارها یا برنامه‌های کلان نقشه است.

عملیاتی‌سازی: مرحله سوم از فرایند مهندسی است که شامل موضوعات خرد (موارد) و اهداف عملیاتی و بالأخره اقدامات (فعالیت‌های) چندساله و سالیانه است. نکته مهم دیگر در اینجا، اولویت‌گذاری برنامه‌هاست.

### تعریف مؤلفه‌های ساختار تحول برنامه

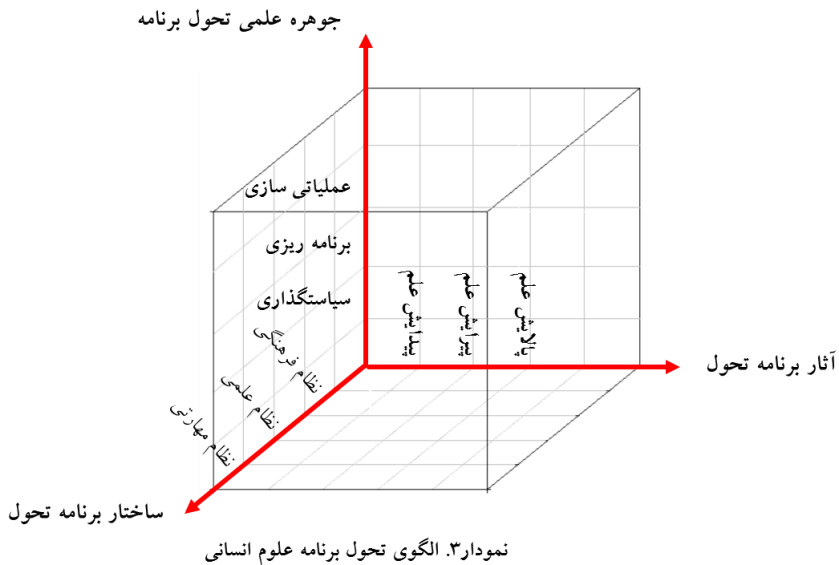
نظام فرهنگی: مهم‌ترین حوزه در جامعه علوم انسانی است که شامل نظام انگیزشی و تربیتی، نظام باورها و اعتقادات عالمان و بالأخره نظام فرهنگ سازمانی است.

نظام علمی: حوزه اصلی مأموریت جامعه علمی است که شامل نظام پژوهشی (ناظر به حوزه تولید تخصصی علوم انسانی، نظام آموزشی (ناظر به حوزه توزیع تخصصی علوم انسانی) و بالأخره نظام ترویجی (ناظر به حوزه ترویج عمومی علوم انسانی) است.

نظام مهارتی: توان به‌کارگیری و کاربردی‌سازی دانش‌ها در جامعه علمی است که در سه حوزه مهارت‌های پژوهشی، آموزشی و ترویجی مصداق دارد.

### تعریف مؤلفه‌های اثر تحول برنامه

- پیدایش (تکامل وضعیت): محور اصلی تکامل و اسلامی‌سازی تحول لازم در تمامی ارکان علم است که شاخص آن احراز موافقت کلی و جامع نظریه‌ها با کتاب و سنت با هدف تغییر مبانی و روش‌های علمی در بلندمدت است.
- پیرایش (تغییر وضعیت): محور اصلی پالایش و تغییر وضعیت، تغییر در بخشی از اجزای علم است که شاخص آن احراز موافقت بخشی نظریه‌ها با کتاب و سنت با هدف ارائه نظریه‌های اسلامی در پاره‌ای موارد در میان‌مدت است.
- پالایش (ترمیم وضعیت): محور اصلی پیرایش، تغییرات ظاهری در چهره علم است، شاخص آن احراز عدم مخالفت قطعی نظریه‌ها با کتاب و سنت با هدف تهذیب علم در کوتاه‌مدت است (پیروزمند، ۱۳۸۹، ۶۰)



جدول ۶. الگوی تحول برنامه علوم انسانی									
عملیاتی سازی		برنامه ریزی				سیاست گذاری			جوهره
نظام مهارتی فنی تجربی	نظام علمی پژوهشی آموزشی	نظام فرهنگی پرورشی تربیتی	نظام مهارتی فنی تجربی	نظام علمی پژوهشی آموزشی	نظام فرهنگی پرورشی تربیتی	نظام مهارتی فنی تجربی	نظام علمی پژوهشی آموزشی	نظام فرهنگی پرورشی تربیتی	ساختار اثر
عملیاتی سازی در نظام مهارتی برای پیدایش	عملیاتی سازی در نظام علمی برای پیدایش	عملیاتی سازی در نظام فرهنگی برای پیدایش	برنامه ریزی در نظام مهارتی برای پیدایش	برنامه ریزی در نظام علمی برای پیدایش	برنامه ریزی در نظام فرهنگی برای پیدایش	سیاست گذاری در نظام مهارتی برای پیدایش	سیاست گذاری در نظام علمی برای پیدایش	سیاست گذاری در نظام فرهنگی برای پیدایش	پیدایش علوم انسانی
عملیاتی سازی در نظام مهارتی برای پیرایش	عملیاتی سازی در نظام علمی برای پیرایش	عملیاتی سازی در نظام فرهنگی برای پیرایش	برنامه ریزی در نظام مهارتی برای پیرایش	برنامه ریزی در نظام علمی برای پیرایش	برنامه ریزی در نظام فرهنگی در سطح برای پیرایش	سیاست گذاری در نظام مهارتی برای پیرایش	سیاست گذاری در نظام علمی برای پیرایش	سیاست گذاری در نظام فرهنگی برای پیرایش	پیرایش علوم انسانی
عملیاتی سازی در نظام مهارتی برای پالایش	عملیاتی سازی در نظام علمی برای پالایش	عملیاتی سازی در نظام فرهنگی برای پالایش	برنامه ریزی در نظام مهارتی برای پالایش	برنامه ریزی در نظام علمی برای پالایش	برنامه ریزی در نظام فرهنگی برای پالایش	سیاست گذاری در نظام مهارتی برای پالایش	سیاست گذاری در نظام علمی برای پالایش	سیاست گذاری در نظام فرهنگی برای پالایش	پالایش علوم انسانی

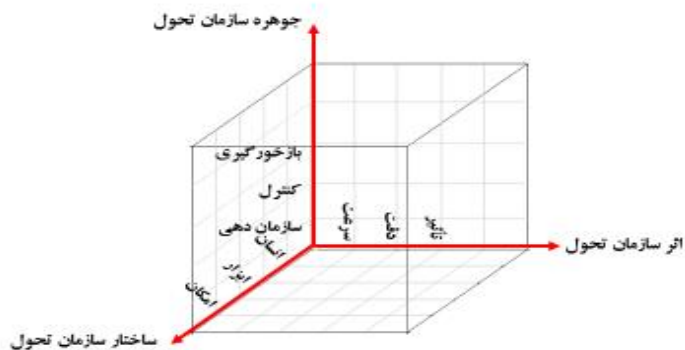
جدول ۷. الگوی تحول سازمان علوم انسانی

مؤلفه‌ها			ابعاد
بازخوردگیری	کنترل	سازمان‌دهی	جوهره سازمان تحول
امکان	ابزار	انسان	ساختار سازمان تحول
تأثیر	دقت	سرعت	اثر سازمان تحول

- سازمان‌دهی: منظور از سازمان‌دهی تنظیم مناصب و تقسیم کار متناسب با سازمان تحول‌گراست، اما متعلق نظام سازمان‌دهی هم سه نظام «پرورشی، علمی، مهارتی» و هم سه منبع «انسان، ابزار، امکان» است و هم سه نظام «تحول تصمیم‌سازی، تصمیم‌گیری و اجرا».
- کنترل: طراحی نظام «نظارت و ارزشیابی اجرایی» است که بخشی از ساختار اصلی سازمان تحول‌گراست، اما حداقل موضوع‌های کنترل، همان منابع سه‌گانه «انسانی، نرم‌افزاری (ابزار) و سخت‌افزاری (امکان)» است.
- بازخوردگیری: پیش‌بینی روند «بازخوردگیری» نسبت به «رویکرد و عملکرد نظامات مفهوم‌سازی، برنامه‌ریزی و اجرایی» است که فرایندی مکمل و البته آخرین آن‌ها در

سازمان‌پردازی محسوب می‌شود؛ در واقع، بازخوردگیری حلقه واسط بین اجرای نقشه با فرایند بازمهندسی و تکمیل نقشه در دوره گذار بعدی است.

- انسان: «منابع انسانی» عامل و هدف (یا خدمت‌دهنده و خدمت‌گیرنده) هستند که در سه محیط درونی (حوزه علوم انسانی)، میانی (کل حوزه دانش و مهارت و فناوری) و بیرونی (حوزه غیرعلم و دانش) فعالیت و زیست می‌کنند.
- ابزار: به معنای تمامی نرم‌افزارهای اداره سازمان علمی است که توسط برنامه‌ریزان، مورد مطالعه و تحول دائمی قرار می‌گیرد. این «منابع نرم‌افزاری»، همچون انسان، در مؤلفه‌هایی مانند حوزه‌های «پرورشی تربیتی»، «پژوهشی آموزشی» و «مهارتی حرفه‌ای» ضرب می‌شود.
- امکان: منظور از امکان، امکانات و «منابع سخت‌افزاری» موردنیاز جامعه علمی است.
- سرعت: شاخص روانی انگیزشی در جامعه علمی و واحدهای سازمانی است که می‌تواند سرعت عملکرد خود را در حوزه‌های «پرورشی، علمی و مهارتی» و «سازمان‌دهی، نظارت و ارزشیابی» و «سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی و عملیاتی‌سازی» و غیره محک بزنند.
- دقت: دومین شاخص با صبغه عقلی فکری است که می‌تواند عملکرد جامعه علمی را از بعد منطقی و علمی مورد مطالعه قرار دهد. مؤلفه دقت بیانگر عملکرد «مربیان، متربیان و مدیران» و وجه مکمل عنصر سرعت محسوب می‌شود.
- تأثیر: آخرین شاخص ناظر به حوزه رفتاری عینی است که در ادبیات موجود، از آن به «کارآمدی» و «اثربخشی» نسبت به عملکرد کیفی و کمی یک سازمان (و واحدهای تحت امر) تعبیر می‌شود. مؤلفه تأثیر بر ایند «سرعت و دقت» است که نمره به آن، امتیاز عملکرد سیستم و خرده‌سامانه‌ها را به خوبی تبیین می‌کند (پیروزمند، ۱۳۸۹، ۶۵)



نمودار ۴. نمودار الگوی تحول سازمان علوم انسانی

جدول ۸. الگوی تحول سازمان علوم انسانی

جوهره		سازمان‌دهی			کنترل			بازخوردگیری	
ساختار	اثر	انسان (منابع انسانی)	ابزار (منابع نرم افزاری)	امکان (منابع سخت افزاری)	انسان (منابع انسانی)	ابزار (منابع نرم افزاری)	امکان (منابع سخت افزاری)	انسان (منابع انسانی)	ابزار (منابع نرم افزاری)
سرعت	سرعت تحول	سازماندهی منابع انسانی برای ایجاد تحول	سازماندهی منابع نرم افزاری برای ایجاد سرعت تحول	سازماندهی منابع سخت افزاری برای ایجاد سرعت تحول	کنترل منابع انسانی برای ایجاد تحول	کنترل منابع نرم افزاری برای ایجاد سرعت تحول	کنترل منابع سخت افزاری برای ایجاد سرعت تحول	بازخوردگیری منابع انسانی برای ایجاد سرعت تحول	بازخوردگیری منابع نرم افزاری برای ایجاد سرعت تحول
دقت	دقت تحول	سازماندهی منابع انسانی برای ایجاد تحول	سازماندهی منابع نرم افزاری برای ایجاد دقت تحول	سازماندهی منابع سخت افزاری برای ایجاد دقت تحول	کنترل منابع انسانی برای ایجاد تحول	کنترل منابع نرم افزاری برای ایجاد دقت تحول	کنترل منابع سخت افزاری برای ایجاد دقت تحول	بازخوردگیری منابع انسانی برای ایجاد تحول	بازخوردگیری منابع نرم افزاری برای ایجاد دقت تحول
تأثیر	تأثیر تحول	سازماندهی منابع انسانی برای ایجاد تحول	سازماندهی منابع نرم افزاری برای ایجاد تأثیر تحول	سازماندهی منابع سخت افزاری برای ایجاد تأثیر تحول	کنترل منابع انسانی برای ایجاد تحول	کنترل منابع نرم افزاری برای ایجاد تأثیر تحول	کنترل منابع سخت افزاری برای ایجاد تأثیر تحول	بازخوردگیری منابع انسانی برای ایجاد تحول	بازخوردگیری منابع نرم افزاری برای ایجاد تأثیر تحول



## فرایند (نقشه راه) علمی تحول علوم انسانی

۱. فرایند محتوایی (موضوعی) در اسلامی سازی علوم انسانی

- نظام مبانی و غایات (مسائل)، نظام روش علم و روش شناسی، نظام نظریه‌ها در یک علم و در کل علوم انسانی، نظام الگوها و شاخص‌ها، قدرت محیط‌شناسی چندسطحی، نظام تدبیر برای تحول تمدنی.

۲. فرایند برنامه‌ای (عملیات علمی) در اسلامی سازی علوم انسانی

- شناخت نظام‌مند و مبنادار ادبیات موجود علمی،
- پالایش علوم انسانی موجود با هدف: بهره‌وری حداکثری و موضعی در حل مسائل بومی، تفکیک موارد مخالفت قطعی با معارف اسلامی، احراز ناکارآمدی علوم انسانی موجود در حل مسائل تمدن اسلامی.

- پیرایش علوم انسانی موجود با هدف: نقد بخشی نظریه‌های موجود به منظور احراز عدم موافقت با اندیشه اسلامی، تولید نظریه‌های اسلامی به شکل بخشی و موضعی.
- **پیدایش علوم انسانی اسلامی با هدف:** تحول بنیادین در علوم انسانی و اجتماعی، تحول فراگیر در علوم انسانی و اجتماعی، تحول منسجم در علوم انسانی و اجتماعی.

۳. فرایند تفصیلی (ترکیب فرایند موضوعی و عملیاتی) در اسلامی سازی علوم انسانی

- نظام مبانی و غایات: شناخت نظام‌مند مبانی، پالایش (بومی سازی) مبانی، پیرایش (اسلامی سازی بخشی) مبانی، پیدایش (اسلامی سازی جامع) مبانی.
- نظام روش علم و روش شناخت علم : شناخت نظام‌مند روش‌های علم، پالایش نظام روش‌ها، پیرایش نظام روش‌ها، پیدایش نظام روش‌ها.
- نظام نظریه‌ها در یک علم و کل علوم انسانی : شناخت نظام‌مند نظریه‌ها، پالایش نظام نظریه‌ها، پیرایش نظام نظریه‌ها، پیدایش نظام نظریه‌ها.
- نظام الگوها و شاخص‌ها: شناخت نظام‌مند الگوها و شاخص‌ها، پالایش نظام الگوها و شاخص‌ها، پیرایش نظام الگوها و شاخص‌ها، پیدایش نظام الگوها و شاخص‌ها.

قدرت محیط‌شناسی چندسطحی : محیط‌شناسی براساس علم موجود (ارتقای بهره‌وری)، محیط‌شناسی براساس علم پالایش‌یافته (بومی)، محیط‌شناسی براساس علم پیرایش‌یافته (اسلامی ناقص)، محیط‌شناسی براساس علم پیدایش‌یافته (اسلامی جامع).  
 نظام تدابیر برای تحول تمدنی : تدابیر براساس علم موجود (ارتقای بهره‌وری)، تدابیر براساس علم پالایش‌یافته (بومی)، تدابیر براساس علم پیرایش‌یافته (اسلامی ناقص)، تدابیر براساس علم پیدایش‌یافته (اسلامی جامع) (پیروزمند، ۱۳۹۱).

### یافته ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها

#### نجزیه تحلیل یافته ها و قابلیت‌ها راهبردی الگوی پیشنهادی

۱. امکان تنظیم نظام راهبردهای تحول علوم انسانی  
 ۲. امکان تنظیم نقشه راه (به‌ویژه پس از امکان‌سنجی)  
 با کمی تأمل در جداول قبل ملاحظه می‌شود که با ترکیب مؤلفه‌های ساختار در سازمان، اثر در برنامه و جوهره در محتوا کوچک‌ترین و کامل‌ترین نقشه راه، که شامل ۲۷ مؤلفه است، برای تحول علوم انسانی حاصل می‌شود که می‌توان بخشی از این نقشه را برای پرورش انسان لازم در ساختار سازمان که شامل ۸ مؤلفه است به شرح زیر ملاحظه کرد.  
 پرورش انسان لازم برای پالایش در موضوعات؛ پرورش انسان لازم برای پالایش در روش‌ها؛ پرورش انسان لازم برای پالایش در مبانی؛ پرورش انسان لازم برای پیرایش در موضوعات؛ پرورش انسان لازم برای پیرایش در روش‌ها؛ پرورش انسان لازم برای پیرایش در مبانی؛ پرورش انسان لازم برای پیرایش در مبانی؛ پرورش انسان لازم برای پیرایش در روش‌ها؛ پرورش انسان لازم برای پیرایش در مبانی. بدیهی است پس از لحاظ‌کردن طراحی ابزار لازم در سازمان و تأمین امکانات لازم در سازمان در مؤلفه‌های اثر در برنامه تحول و جوهره در محتوای تحول علوم انسانی این نقشه نسبتاً کامل و کوچک قابل اجراست.

۳. امکان انقباض در حد سه مؤلفه و انبساط در حد نوزده هزار مؤلفه

با توجه به جداول الگوی سازمان، برنامه و محتوای در تحول علوم انسانی ملاحظه می‌شود که می‌توان با تحول در سه جزء همچون پیدایش در علوم انسانی، پیرایش در علوم انسانی

و پالایش در علوم انسانی کوچک‌ترین نقشه راه را ارائه کرد. درمقابل، با ترکیب همه اجزای الگوی پیشنهادی به نوزده هزار مؤلفه خواهیم رسید؛ بنابراین، می‌توان گفت امکان انقباض و انبساط یکی از نکات برجسته این الگو است.

#### ۴. وجود نظام اولویت و رابطه ریاضی بین عوامل

برای مثال بین ابعاد «جوهره» از «ساختار» و ساختار از «اثر» اولویت بیشتری دارد (از بالا به پایین). بر همین اساس، تحول مبانی علوم بنیادی با هدف جامعه‌سازی در الگوی محتوا اولویت بیشتری نسبت به تحول موضوعات علوم کاربردی با هدف طبیعت‌سازی دارد (از راست به چپ). افزون بر نظام اولویت پیش‌گفته به دو قاعده دیگر نیز باید توجه داشت:

۱- اصولاً ترتیب تغییر عینی، برعکس ترتیب اهمیت مؤلفه در الگو است. ۲- تحت‌تأثیر

امکان‌سنجی عینی، ترتیب اولویت مفروض دستخوش تغییر می‌شود.

#### ۵. چندوجهی بودن الگو

با توجه به نکات ذکرشده مبنی بر اولویت‌دار بودن مؤلفه‌ها از بالا به پایین و از راست به چپ، برای مثال چنانچه شرایط تحول در بخش سیاست‌گذاری در برنامه تحول علوم انسانی مهیا نباشد می‌توان ابتدا با اقدامات اجرایی که زمینه آن مهیاست شروع کرد و سپس با تحول در برنامه‌ریزی و پس از آن با فراهم‌شدن زمینه برای تحول در سیاست‌گذاری و بازبینی مجدد این فرایند به سمت عملیاتی‌کردن سیاست‌های جدید متحول‌شده اقدام کرد.

#### ۶. نقد و پالایش و ترمیم وضعیت موجود

محور اصلی پالایش و پیرایش تغییرات ظاهری در چهره علم است؛ تغییر وضعیت و ترمیم بخشی از اجزای علم، یعنی با نقد علم موجود و ارائه شاخص‌های علم جدید که با کتاب و سنت هم‌راستا باشد پیرایش می‌شود و پس از آن در تمامی ارکان علم، که شاخص آن احراز موافقت کلی و جامع نظریه‌ها با کتاب و سنت با هدف تغییر مبانی و روش‌های علمی در بلندمدت است، حاصل خواهد شد.

#### ۷. امکان ارائه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت

با توجه به انقباض و انبساطی بودن الگو و امکان ارائه نقشه راه در سه مؤلفه و نوزده هزار مؤلفه به همین صورت می‌توان برنامه بلندمدت را در انقباضی‌ترین و انبساطی‌ترین برنامه

اجرائی کرد. برای مثال، با ارائه برنامه کوتاه‌مدت در پالایش علوم انسانی و پیرایش علوم انسانی در برنامه میان‌مدت به پیدایش علوم انسانی جدید در برنامه بلندمدت دست یافت (پیروزمند، ۱۳۹۱، ۸۹).

اجمالی‌ترین تا تفصیلی‌ترین شکل به‌کارگیری الگوی پیشنهادی

مرحله ۱. پالایش علوم انسانی، پیرایش علوم انسانی، پیدایش علوم انسانی.

مرحله ۲. پالایش موضوعات، روش‌ها، مبانی؛ پیرایش موضوعات، روش‌ها، مبانی؛ پیدایش موضوعات، روش‌ها، مبانی.

مرحله ۳.



مرحله ۴. اوصاف ساختاری در الگوی محتوا (بنیادی، راهبردی، کاربردی) به مرحله ۳ اضافه می‌شود.

مرحله ۵. اوصاف اثری در الگوی محتوا (جامعه‌سازی، انسان‌سازی و طبیعت‌سازی) به مرحله ۴ اضافه می‌شود.

مرحله ۶. تفصیلی‌ترین شکل در معادله زیر به‌دست می‌آید (همان منبع).

$$\begin{array}{c}
 \boxed{۱۹ \text{ هزار مؤلفه}} = \boxed{۲۷ \text{ مؤلفه الگوی محتوا}} \times \boxed{۲۷ \text{ مؤلفه الگوی برنامه}} \times \boxed{۲۷ \text{ مؤلفه الگوی سازمان}}
 \end{array}$$

## نتیجه‌گیری و پیشنهاد

### الف- نتیجه‌گیری

براساس یافته‌ها، الگوی پیشنهادی در راستای تحول علوم انسانی اسلامی شاخص‌ها، مؤلفه‌ها، راهکارها و برنامه‌هایی را در هر بخش ارائه می‌کند که شامل حداقل سه مؤلفه همچون پالایش، پیرایش و پیدایش است. برنامه کوتاه‌مدت را در پالایش و تغییر ظاهری در چهره علم، پیرایش و تغییر در بخشی از اجزای علم، پیدایش و تحول در تمامی ارکان علم ارائه می‌دهد که می‌توان این برنامه‌های سه‌گانه (کوتاه، میان و بلند مدت) را در هر بخش به صورت جداگانه اجرایی کرد؛ در واقع، این موضوع یکی از نکات برجسته و مهم الگوی پیشنهادی است که با ارائه راهکار اجرایی در هر بخش و ارائه مؤلفه‌های واجد تغییر و تحول به همراه اولویت آن‌ها بستری مناسب و قابل اجرا در سازمان‌های متولی تحول علوم انسانی ارائه نموده است.

الگوی پیشنهادی با ارائه نقشه راه تحول علوم انسانی در حداقل ۲۷ مؤلفه و حداکثر نوزده هزار مؤلفه، در بخش فرهنگی با ارائه مؤلفه فرهنگی در ساختار برنامه تحول در نظام انگیزشی و تربیتی، نظام باورها و اعتقادات و نظام فرهنگ سازمانی، در بخش نقد علوم موجود با ارائه مؤلفه‌های پالایش، پیرایش و پیدایش به نقد علوم موجود و تغییر وضعیت به علوم جدید و پیدایش آن‌ها اشاره دارد. در بخش تولید با ارائه مؤلفه جامعه‌سازی در الگوی محتوا و تحول مبانی علوم بنیادی با هدف تولید علم جدید، در بخش سیاست‌گذاری با ارائه مؤلفه سیاست‌گذاری در جوهره برنامه تحول به موضوعات کلان یا محوری قابل سیاست‌گذاری و چشم‌انداز و رسالت کلان و در بخش اجرایی با مؤلفه عملیاتی‌سازی موضوعات خرد و اهداف عملیاتی چندساله را اولویت‌بندی می‌کند و نقشه راهی بدین منظور ارائه می‌کند؛ علاوه بر آن، در الگوی تحول برنامه با اشاره به نظام پژوهشی ناظر به حوزه تولید، توزیع و ترویج تخصصی علوم انسانی است که ملاحظه می‌شود علاوه بر بخش تولید و ترویج به توزیع علوم انسانی جدید پرداخته و راهکارهای عملیاتی ارائه کرده‌اند.

الگوی ارائه شده جنبه‌های محتوایی و مدیریتی الگو را از یکدیگر تفکیک کرده است و

علاوه بر آن، عوامل مدیریتی را نیز در دو جنبه برنامه و سازمان از هم تفکیک و در یک مدل دیگر آن‌ها را متقوم و مرتبط کرده است. از دیگر ویژگی‌های الگوی پیشنهادی یادشده بررسی هم زمان تحول در مدیریت و تحول در محتوای علوم انسانی است.

### **ب- پیشنهادات**

بنابراین، با توجه به شاخص‌ها، ابعاد، مؤلفه‌ها، طبقه‌بندی‌ها و ارائه راهکارها و فرایندهای اجرایی و قابلیت‌هایی همچون امکان تنظیم نظام راهبردهای تحول علوم انسانی، امکان تنظیم نقشه راه (به‌ویژه پس از امکان سنجی)، امکان انقباض در حد سه مؤلفه و انبساط در حد نوزده هزار مؤلفه، وجود نظام اولویت و رابطه ریاضی بین عوامل، چندوجهی بودن الگو، نقد و پالایش و ترمیم وضعیت موجود، امکان ارائه برنامه کوتاه‌مدت، میان‌مدت و بلندمدت و غیره، الگوی پیشنهادی ارائه شده برای تحول علوم انسانی کاربردی‌تر و عملیاتی‌تر از سایر الگوهای موجود می‌باشد و می‌توان آن را در سازمان‌های متولی تحول علوم انسانی طراحی و اجرا کرد.

## منابع

- آذربایجان، مسعود، کاظمینی، سید محمد حسین، ۱۳۹۴، درآمدی بر نظریه مدیریت تحول در علوم انسانی با تاکید بر نقش محوری عوامل جامعه شناسی، *فصلنامه روش‌شناسی علوم انسانی*، ص ۵۷-۹۴
- بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با جمعی از استادان نخبگان و پژوهشگران دانشگاه های کشور سال ۱۳۹۷/۳/۲۰.
- بیانات مقام معظم رهبری (مد ظله العالی) در دیدار با جمعی از بانوان کشور ۱۳۸۸/۷/۲۸.
- پیروزمند، علی رضا، ۱۳۹۳، رابطه منطقی دین و علوم کاربردی، *کتاب فردا*، ص ۱۶۲-۹۳
- پیروزمند، علیرضا، ۱۳۸۹، الگوی مفهومی تحول علوم انسانی اسلامی. *پروژه تحقیقاتی، دفتر تحصیلات تکمیلی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری.*
- پیروزمند، علیرضا، ۱۳۹۱، الگو و راهبرد تحول در علوم انسانی، *مجموعه مقالات همایش تحول در علوم انسانی، جلد دوم*، با مشارکت فرهنگستان علوم اسلامی و دانشگاه تهران.
- جمالی، مصطفی، ۱۳۹۰، هویت علوم انسانی اسلامی، از دیدگاه روش شناختی، *فصلنامه پژوهش، سال سوم*، شماره اول، بهار و تابستان، ص ۳۰-۵
- خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۹۴، در جستجوی علوم انسانی اسلامی تحلیل نظریه های علم دینی و آزمون الگوی حکمی - اجتهادی در تولید علوم انسانی، *انتشارات معارف*، جلد دوم، ص
- خسرو پناه، عبدالحسین، ۱۳۹۶، کنگره بین المللی علوم انسانی اسلامی، *چیستی، ساخت ها و فرایندهای تحول در آن*، دوره سوم شماره ۱، ص ۲۵۷-۲۸۴
- شیخ زاده، حسین، ۱۳۹۶، ناکارآمدی علوم انسانی در ایران و راهکارهای برون رفت از آن، با تاکید بر علم سیاست، *فصلنامه علمی - تخصصی مطالعات تحول در علوم انسانی*، سال پنجم، شماره هشتم
- عبدی، اسماعیل، ۱۳۹۱، طراحی و تبیین الگوی تدوین خط مشی ملی تحول در علوم انسانی، *مطالعات الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی*، سال اول، شماره اول
- قلی پور، حسین، چیت سازیان، علی رضا، ۱۳۹۶، ابعاد و مولفه های تحول در علوم انسانی در اندیشه مقام معظم رهبری و دلالت های آن بر علوم انسانی مطلوب جمهوری اسلامی ایران، *فصلنامه راهبرد فرهنگ*، شماره ۳۷

گزارش عملکرد تحول علوم انسانی، ۱۳۹۹، حوزه معاونت آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

میرباقری، محمد مهدی، ۱۳۹۰، فلسفه نظام ولایت و علم دینی، پایگاه اطلاع رسانی به نشانی ***mirbageri.ir***

میرباقری، محمد مهدی، ۱۳۹۴، طراحی منظومه روشی بر اساس فلسفه دلالت راه هماهنگ سازی علوم بر محور معارف نقلی، پایگاه اطلاع رسانی به نشانی ***mirbageri.ir***

بیشه، مجید، (۱۴۰۰)، هم افزایی کارگزاران تراز به مثابه سفیران تحول گرا، تعالی بخش و تمدن ساز (شایستگی ها و راه های تقویت آن)، *فصلنامه علمی مطالعات بین رشته ای دانش راهبردی*، سال دوازدهم، ۴۶

خسروسهل آبادی، ابوالقاسم، امینی، سید جواد، ۱۳۹۸، نگرش کیفی به تمدن اسلامی در هزاره جدید، *فصلنامه علمی مطالعات بین رشته ای راهبردی*، سال نهم، شماره ۲۶